

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: جهانگیر

بهمن

۱۱.۰۸.۰۹

بی برنامه‌گی "جنبش سبز اسلامی"

یا

فرسوده کردن مبارزات مردم" برای بقاء ننگین رژیم اسلامی؟

نزدیک به دو ماه از خیزش و مبارزه قهرمانانه مردم ایران علیه حکومت جهل و جنون و ددان حاکم بر آن میگذرد و هر روز شاهد دستگیری و تحویل بدن های بی جان این مبارزان، هستیم و در این حال "رهبری سبز" نه برنامه ای در دست دارد و نه هدفی و گویا همانند بازرگان که در اوج تنش های بعد از قیام ۵۷ به جای تفکر و مشورت با آگاهان اجتماعی و سیاسی برای حل مشکلات به حسینیه نزدیک خانه اش میرفت و استخاره میکرد، فرزند امام و شیفته سخن او: "جمهوری اسلامی، نه یک کلمه بیش، نه یک کلمه کم" مرتب در حال استخاره هست و مریدانش مرتب در بوق میگذارند که "برنامه" او "به زودی" اعلام میشود و هر آنگاه که مردم به جان آمده از وحشی گری های مسلمین ناب محمدی خود "خواسته" هایشان را عنوان میکنند، این شیفته راه امام، زبان باز میکنند و علیه خواسته های مردم حرافی میکنند. این سکوت و عنوان نکردن برنامه و هدف میتواند ۲ شق داشته باشد.

شق اول آن است که موسوی و لشگریانش، هیچ برنامه و هدفی ندارند، چرا که قصد آنها چنین نبود که مردم به خیابان ریخته و از شعار الله اکبر، میر حسین، یا حسین شروع کرده و به مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه ای و بعد استقلال، آزادی، جمهوری ایرانی را سر دهند که وحشت و لرزش بر پیکر و فکر اسلاميون و نوکران با جیره و مواجب (نهضت آزادی، ملی- مذهبی، احزاب کارگزاران، اعتماد ملی، مشارکت، مجاهدین انقلاب اسلامی) و بدون جیره و مواجبش (راه توده، جمهوریخواهان ملی، حزب دمکراتیک مردم، بخش هائی از اکثریت و تمامی چپ های سابق اخته شده) برافکنند. حال آنها مانده اند و زانوی چه کنم، چه کنم را در بغل گرفته اند.

شق دوم آن است که همانگونه که موسوی اعلام داشته "تنها یک اختلاف خانوادگی هست" و خودشان دست در دست هم، همانگونه که در ۳۰ سال گذشته انجام داده و بیضه اسلام را تا به حال از گزند به دور نگه داشته اند، برای بقای ننگین حکومت خود، به این نتیجه رسیده اند، که تنها راه فروکش دادن و در انتها خاموشی خیزش اخیر مردم مبارز ایران:

"کشانان روزانه مردم به خیابان بدون هیچ هدف و برنامه ای" تا انرژی آنها را تحلیل برده و مردم را سر خورده نمایند؛ تا بار دیگر به زندگی تحت ستم این وحوش گردن نهند. به نظر می آید شق دوم راه کار این قبیله فرعونی هست برای اینکه کمی هم با دلیل و برهان سخن گفته باشیم ۲ نمونه از سخنان مشعشع عمله و اکره های جنبش سبز اسلامی که تا همین چند روز پیش از آزادی ها و حکومت مردم داد سخن میدادند و خود را از رهبران تغییرات در ایران میدانستند ، می آورم :

۱. "این جنبش مقطعی اگر موفق شود کمکی بزرگ به تسریع گذار مسالمت آمیز به دموکراسی در ایران خواهد کرد زیرا منجر به عقب نشینی خامنه ای و تضعیف دستگاه سرکوب می گردد."

بلی از نظر **علی افشاری**، تمامی جانفشانی و مبارزه مردم تنها برای "عقب نشینی" خامنه ای بوده و نه نابودی سیستم ولایت فقیه و جمهوری اسلامی، و "تضعیف" دستگاه سرکوب. به عبارتی، دستگاه سرکوب برای کشتار دگر اندیشان می باید سر جایش باقی بماند و برای گمراه کردن مردم می باید این دستگاه "تضعیف" شود و حتماً کمتر بکشد و اگر هم شکنجه و کشتار کرد، اصلاح طلبان از میان آنها نباشد

۲. "این درست است که انقلاب سال پنجاه و هفت عظمی بی نظیر در تاریخ ایران دارد و این هم درست که شرایط سیاسی و اجتماعی امروز از همه جهات مناسبت و مشابهتی با شرایط سال های پنجاه و شش و پنجاه و هفت ندارد اما هیچکس مدعی تکرار تاریخ و راه اندازی مجدد یک انقلاب اسلامی نیست. آنچه از مشابهت در شعارها و مراسم به چشم می آید پیوند ریشه های جنبش امروز با ریشه های انقلاب اسلامی پنجاه و هفت است که در سطوح و لایه های زیرین جامعه وجود دارد و به چشم همگان نمی آید. این جنبش تلاشی است برای بازگشت به اصول و آرمانهای فراموش شده انقلاب اسلامی همچنانکه جنبش اصلاحات نیز در اصل همین بود."

این سخنان مشعشع **سعید رضوی فقیه** هست که با وقاحتی بی نظیر ادعا دارد که مردم بعد از ۳۰ سال تجربه شکنجه، زندان، کشتار دهها هزار انسان آزاده و چپاول و غارت میلیارد ها دلار ثروت مردم، به خیابان می آیند و از جان خود میگذرند که دوباره نکبت "اصول و آرمانهای فراموش شده انقلاب اسلامی" برقرار شود. این پریشان مغز میتواند نمونه بیاورد که در کدام مقطع از تاریخ ۳۰ سال اخیر، اصول و آرمانهای انقلاب اسلامی، فراموش شده؟؟ آیا حتی یک هفته ای سراغ دارید که خبری از اعدام و کشتن و فساد، غارت در سرزمین آلوده به طاعون اسلام، نباشد؟ شرم هم چیز خوبی هست که این ددان اسلامی از آن بی بهره اند.

با توجه به نکات فوق آیا زمان آن نرسیده که مردم مبارزه و آگاه ایران خود را از قید این "رهبران" زیون و مکار رها کرده و خود رهبری و خواست ها و برنامه خود را در دستور کار قرار داده و برای اجراء و به ثمر رساندن اهدافشان، خودشان را سازمان داده و به حرکت خود تا نابودی رژیم ددان اسلامی ادامه دهند؟ به امید آن روز این مقاله را به "روشنفکران" هوادار "جنبش سبزاسلامی" پیشکش میکنم. جهانگیر